

مکابیان سوم

از مجموعه کتابهای آپوکریفا

گذری بر تاریخ مابین

عهد قدیم و عهد جدید

کاری از کانون راه حیات

مترجم: داود کاظمیان

معرفی

مسیحیان ارتدکس شرقی این کتاب را در گروه کتابهای متعارف و ثانوی قرار می‌دهند اما یهودیان و کلیسای کاتولیک و پروتستانها دارای چنین دیدگاهی نیستند، بلکه آنرا به عنوان بخشی از مجموعه کتابهای آپوکریفا می‌دانند. آنها این اثر را به طور کلی از نظر تاریخی قابل اعتماد ندانسته و آنرا بخشی از کتاب مقدس به حساب نمی‌آورند. هر چند آنرا در ردیف کتابهای معتبر بین عهدین قرار می‌دهند که برای خواندن مفید است. اما این اثر همیشه مورد پذیرش کلیسای ارتدکس بوده و از کتابهای برحق شمرده شده است.

خلاصه داستان

محتوای کتاب دارای ظاهری افسانه‌ای است که محققان نتوانسته‌اند وقایع تاریخی اثبات شده‌ای را به آن پیوند بزنند، در واقع پس از شکست بطلمیوس چهارم در نبرد رافیا، وی از اورشلیم و معبد مقدس بازدید می‌کند. او اصرار دارد وارد قسمت قدس الاقدس شود که فقط کاهن اعظم اجازه ورود به آنرا دارد؛ اما بر اثر پافشاری پادشاه، یهودیان دست به دعا بر می‌دارند و خداوند در پاسخ به دعای یهودیان، سبب بیماری شاه می‌شود. شاه پس از بازگشت به مصر، از یهودیان اسکندریه انتقام می‌گیرد و کسانی را که از پرستش خدای یونانی دیونیسوس امتناع می‌ورزند از حقوق شهروندی محروم می‌کند. او که از وفاداری یهودیان به آیینها و سنتهای خودشان خسته شده است، دستور می‌دهد تا همه یهودیان مصر را در استادیوم اسبدوانی اسکندریه زندانی کنند و سپس تصمیم به قتل آنها می‌گیرد.

یهودیان دعا کرده و دو فرشته از آسمان ظاهر شده و سبب نجات یهودیان می‌شوند. بطلمیوس یهودیان را آزاد می‌کند و هفت روز جشن گرفته می‌شود.

نویسنده

در مورد نویسنده سوم مکابیان اطلاعات کمی در دسترس است، این کتاب به زبان یونانی و توسط یک یهودی ناشناس از اسکندریه نوشته شده است. این دو مورد تقریباً مورد توافق همه محققانی است که با این کتاب سر و کار دارند.

زمان نگارش

تعیین تاریخ نگارش سوم مکابیان بسیار دشوار است اما بسیاری از محققان، نگارش آنرا متعلق به حدود ۱۰۰ تا ۳۰ سال قبل از میلاد می‌دانند، هر چند تاریخ و نویسنده دقیق آن مشخص نیست.

نگرش

این داستان تا حدودی ناگهانی شروع می‌شود و بسیاری از افراد را به این فکر می‌اندازد که در واقع این کتاب بخشی از یک اثر طولانی‌تر است. کتاب سوم مکابیان دارای زمینه مبارزه قوم یهود برای حفظ آیین و سنت نیاکان خود مبتنی بر احکام الهی است. این کتاب آزار و اذیت یهودیان اسکندریه و مصر را در تحت حکومت بطلمیوس چهارم به تصویر می‌کشد.

کاربرد

کتاب سوم مکابیان روایتی از ظلم و مقاومت است. با این وجود، این داستان نگاهی اجمالی به زندگی یهودیان مقیم فلسطین دارد. و اساساً، به خواننده یادآوری می‌کند که وفاداری به احکام الهی همیشه بهترین گزینه ممکن است، زیرا خداوند می‌تواند از قوم خود در هر کجا که زندگی می‌کنند، محافظت کند.

تاریخچه

این کتاب در نسخه عبری و ولگات دیده نمی‌شود و تنها ترجمه یونانی آن موجود است و به همین دلیل کلیسای ارتدکس آنرا بخشی از کتاب مقدس بشمار می‌آورد.

علیرغم عنوان کتاب، این اثر تقریباً هیچ ارتباطی با مکابیان یا شورش آنها علیه امپراتوری یونان ندارد؛ چنانچه در کتاب اول و دوم مکابیان اینچنین نیست. با این حال، این کتابها نقاط مشترکی با هم دارند؛ که می‌توان موضوعاتی از قبیل مبارزه یهودیان علیه یک حاکم غیر یهودی که تلاش می‌کند آنها را وادار به پذیرش سنت‌های یونانی کند از این نقاط اشتراک دانست.

این کتاب به دلیل عنصر مشترک آزار و اذیت یهودیان توسط حاکمان یونان، احتمالاً به نام مکابیان خوانده شده است. در واقع وقایع این کتاب حدوداً

پنجاه سال قبل از قیام مکابیان رخ داده است. در این اثر بر خلاف کتاب اول و دوم مکابیان، یهودیانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند شهید نمی‌شوند بلکه نجات پیدا می‌کنند. در نهایت هر سه کتاب، مردم یهود را حتی در سخت‌ترین شرایط، وفادار به آیین و سنت خود می‌داند.

نبرد رافیا

۱ هنگامی که بطلمیوس فیلوپاتور، پادشاه مصر از گزارش کسانی که بازگشته بودند متوجه شد مناطقی که تحت کنترل او بوده، اکنون توسط آنتیوخوس تصرف شده است، به همه نیروهای خود اعم از پیاده نظام و سواره نظام دستور حرکت داد و خودش به همراه خواهرش آرسینو با سپاهیان به منطقه نزدیک رافیا^۱ رفتند، جاییکه که سپاهیان آنتیوخوس در آنجا مستقر شده بودند. ۲ اما شخصی بنام تئودوتوس که مصمم به انجام قتل بطلمیوس بود توطئه‌ای را برنامه ریزی کرد، لذا بهترین اسلحه‌هایی را که از زرادخانه بطلمیوس به او واگذار شده بود با خود برداشته و شبانه به خیمه بطلمیوس رفت و قصد داشت جنگ را با کشتن او به پایان برساند. ۳ اما دوزیتئوس، معروف به پسر دریمیلوس، که در اصل یک یهودی زاده بود ولی سپس تغییر دین داده و از سنت‌های اجدادی خود رو برگردانده بود، پادشاه را از آن مکان دور کرد و ترتیبی داد که یک شخص معمولی در چادر پادشاه بخواهد بدینسان این شخص متحمل سرنوشتی شد که برای انتقام جویی از پادشاه تدارک دیده بودند. ۴ هنگامی که یک نبرد شدید آغاز شد و اوضاع جنگ به نفع آنتیوخوس و به خوبی پیش می‌رفت، آرسینو با اشک و ماتم به سمت سپاهیان رفت و در حالیکه موهایش به کلی آشفته و از هم گسیخته شده بود از آنها خواست که برای نجات خود و فرزندان و همسران خود با شجاعت مبارزه کنند و قول داد اگر در این نبرد پیروز شوند، به هر یک از آنها دو مینه^۲ طلا خواهد داد. ۵ و به این ترتیب جنگ تغییر مسیر داد و دشمن شکست خورده و بسیاری از آنها نیز اسیر شدند. ۶ بطلمیوس پس از غلبه بر این توطئه، تصمیم گرفت به شهرهای همسایه سفر کرده و از آنها بازدید کند. ۷ با انجام این کار و با اهدای هدایا به معابد آنها، او سبب تقویت روحیه جنگجویان و زیر دستان خود شد.

بطلمیوس فیلوپاتور در معبد

۸ پس از این وقایع، یهودیان برخی از اعضای شورا و بزرگان خود را برای

۱ - جنوب شرقی غزه در فلسطین.

۲ - هر مینه معادل ۵۰۴ گرم است.

شادباش و تقدیم هدایا به استقبال بطلمیوس فرستادند تا برای هر آنچه که در جنگ اتفاق افتاده است به او تریک بگویند. خود او نیز بسیار مشتاق بود که هر چه سریعتر با آنها ملاقات کند. ۹ پس از ورود به اورشلیم، او برای خدای قادر متعال قربانی و هدایای شکرگزاری تقدیم کرد، و آنچه را که شایسته این مکان مقدس بود، به انجام رساند. او پس از ورود به معبد، کاملاً تحت تأثیر عظمت و زیبایی آن قرار گرفت. ۱۰ و از نظم و ترتیب خوب معبد، شگفت زده شد، و مشتاق و خواستار ورود به قسمت قدس الاقدس معبد شد. ۱۱ وقتی گفتند این کار مجاز نیست، حتی قوم یهود و حتی خود کاهنان نیز اجازه ورود به این مکان را ندارند، بلکه فقط کاهن اعظم که از همه برجسته تر است و آنهم فقط سالی یک بار می‌تواند به این محل وارد شود؛ شاه به هیچ وجه قانع نشد. ۱۲ حتی پس از اینکه احکام شریعت برای او خوانده شد، وی از پافشاری برای وارد شدن به مکان قدس الاقدس دست نکشید و گفت: حتی اگر تمام قوم یهود از این افتخار محروم شوند، من نباید چنین باشم. ۱۳ و پرسید پس چرا او وارد هر معبد دیگری شده است، و کسی هم جلوی او را نگرفته است. ۱۴ ولی یک نفر بدون اینکه فکر کند، پاسخ داد این اشتباه است که از این امر به عنوان معیاری جهت ورود به هر معبد دیگری استفاده کرد. ۱۵ پادشاه گفت: اما از آنجا که چنین اتفاقی افتاده است؛ پس چرا من نتوانم وارد این معبد شوم، خواه رضایت داشته باشید و یا خواه نداشته باشید؟

واکنش یهودیان

۱۶ سپس کاهنان با لباسهای مقدس خود بر روی زمین سجده کرده و به خدای متعال متوسل شدند تا در شرایط فعلی به یاری آنها بیاید و از اجرای این طرح شیطانی جلوگیری کند و در همان حال معبد را از اشک و فریاد ناله پر کردند. ۱۷ کسانی که در شهر بودند، با فرض اینکه چیزی غیر عادی اتفاق افتاده است، سراسیمه و با عجله بیرون آمدند. ۱۸ دختران جوان که تا قبل از ازدواج باید در خانه می‌ماندند، با مادران خود از خانه بیرون آمدند و خاک بر موهای خود ریخته و در خیابان‌ها شروع به گریه و زاری کردند. ۱۹ و دخترانی که تازه برای ازدواج آماده شده بودند اتفاقاتی حمله خود را که برای شب زفاف آماده شده بود رها کردند و بدون توجه به سر و وضع نامناسب خود، با شتاب به ازدحام جمعیت شهر پیوستند. ۲۰ حتی مادر و

پرستار نوزادان تازه متولد شده در اینجا و آنجا، برخی را در خانه و برخی را در مزارع رها کرده و با سایر ساکنان شهر و بدون نگاه به پشت سر خود در معبد خدای متعال جمع شدند. ۲۱ دعا و تضرع کسانی که در آنجا جمع شده بودند به دلیل نقشه شومی که پادشاه کشیده بود، بسیار گوناگون بود. ۲۲ علاوه بر این، شهروندان غیور که نمی‌توانستند تحقق هدف مورد نظر پادشاه را تحمل کرده و یا با آن مدارا کنند؛ ۲۳ بر سر هموطنان خود فریاد زدند که اسلحه به دست گرفته و با شجاعت به خاطر سنت اجدادی خود تا پای جان برای اهانت بسیار بزرگی که به مکان مقدس شده است ایستادگی کنند، ریش سفیدان و بزرگان به سختی قادر به مهار آنها بودند اما در آخر آنها نیز به همان دعای دیگران متوسل شدند.

۲۴ در همان حال، که انبوه جمعیت همچنان مشغول دعا کردن بودند. ۲۵ بزرگان و مشاوران نزدیک شاه سعی داشتند تا به طریقهای مختلف، افکار متکبرانه او را از طرحی که در ذهن خود ترسیم کرده بود تغییر دهند. ۲۶ اما او در تکبر خود، تمام استدلال‌های عنوان شده را نادیده گرفت و مصمم بود که نقشه خود را به انجام برساند. ۲۷ وقتی اطرافیان او این موضوع را مشاهده کردند، آنها نیز با مردم همراه شدند تا از خداوندی که تمامی قدرت جهان در دست اوست بخواهند تا در مقابل این مشکلات از آنها دفاع کند و از این عمل غیر شرعی و گستاخانه چشم پوشی نکند. ۲۸ فریاد مداوم، سرسختانه و هماهنگ جمعیت منجر به یک قیام گسترده شد. ۲۹ زیرا به نظر می‌رسید که نه تنها مردم بلکه دیوارها و کل زمین پیرامون آنها نیز طنین فریاد سر می‌دهند، زیرا در حقیقت همه در آن زمان مرگ را بر بی حرمتی به این مکان مقدس ترجیح می‌دادند.

دعای شمعون

۲ ۱ سپس کاهن اعظم شمعون، در مقابل معبد، بر روی زانوهای خود خم شد و دستان خود را با کرامت بسوی آسمان بلند کرد، و با عزت و شرافت اینچنین دعا کرد: ۲ ای خداوند خدا، پادشاه آسمانها، و حاکم بر کل آفرینش، مقدس‌ترین در بین مقدسین، تنها حاکم، قادر متعال، به ما نگاه کن که از دست مردی خبیث و ناسپاس در رنج و اندوه هستیم، که در تکبر و قدرت خود گام بر می‌دارد. ۳ اما خدایی که کل هستی را آفریده است و بر همه چیز حکومت می‌کند و حاکم عادل است؛ بر تمامی کسانی که در

گستاخی و جاه طلبی خود فرو رفته‌اند داوری می‌کند. ۴ تو تمام کسانی را که در گذشته مرتکب بی عدالتی شده‌اند، نابود کرده‌ای، که در میان آنها افراد غول مانندی بودند که به قدرت و شجاعت خود تکیه می‌کردند، اما تو آنها را با یک سیل عظیم و بی حد و مرز، نابود کردی. ۵ قوم سدوم را که با تکبر و جاه طلبی رفتار می‌کردند و به خاطر اعمال شریرانه خود، بدنام بودند با آتش و گوگرد هلاک کردی و آنها را سرمشقی برای آیندگان قرار دادی. ۶ تو با تحمیل مجازات‌های زیاد و گوناگون بر فرعون که اسرائیل را جسورانه به بردگی کشیده بود، قدرت خود را به دنیا نشان دادی. ۷ و هنگامی که او قوم تو را با اربابه‌ها و انبوهی از نیروهای نظامی دنبال کرد، تو او را در اعماق دریا غرق کردی، اما کسانی را که بر تو اعتماد کرده بودند، با امنیت کامل عبور دادی؛ زیرا تو حاکم کل آفرینش هستی. ۸ و وقتی آنها عمل قدرتمند دستان تو را دیدند، تو را که قادر متعال هستی، ستایش کردند. ۹ تو ای شاه شاهان، هنگامی که زمین بیکران و بی حد و حصر را خلق کردی، این شهر را انتخاب و این مکان را برای نام خود تقدیس نمودی، هرچند که به چیزی نیاز نداری. و هنگامی که با تجلی با شکوه خود به آن جلوه‌ای زیبا بخشیدی، آنرا بنیادی محکم برای جلال نام عظیم و مفتخر خود قرار دادی. ۱۰ و از آنجا که تو محبت عظیمی نسبت به خاندان اسرائیل داری، وعده دادی که حتی اگر از تو رو برگردانده و در گناه و مصیبت غرق شویم، وقتی به این مکان مقدس بیاییم و دعا کنیم، تو به دعای ما گوش خواهی داد. ۱۱ و در واقع تو تنها خدای وفادار و راستین هستی. ۱۲ هنگامی که نیاکان ما مورد ستم و تحقیر واقع شدند تو به طور مکرر به آنها کمک کرده و آنها را از سختیها و مصیبت فراوان نجات دادی، ۱۳ اکنون تو ای پادشاه مقدس، نگاه کرده و ببین، که به دلیل گناهان زیاد و بیش از اندازه خود با رنج و سختی در دست دشمنان خُرد شده و از ناتوانی به ضعف دچار شده‌ایم. ۱۴ اما در تنگاتنگ مصیبت ما، این مرد متکبر و منحوس مصمم است که به مکان مقدسی که به نام پر جلال تو تقدیس شده و به تو اختصاص دارد، اهانت کند. ۱۵ تو ساکن آسمان هستی که توسط انسان غیر قابل دستیابی است. ۱۶ اما از آنجا که رحمت تو بر قوم اسرائیل قرار گرفته است، این مکان را تقدیس کردی تا جلال تو در میان این قوم باشد. ۱۷ ما را به خاطر اعمال ناپسندی که این شخص مرتکب شده است، مجازات نکن، و از ما انتظار نداشته باش که پاسخگوی این بی حرمتی باشیم. در غیر این

صورت ستمگران در خشم خود و غرق در غرور، با تکبر به زبان خود خواهند گفت: ۱۸ معبد مقدس را در زیر پای خود گذاشتیم، درست همانطور که معبد بت پرستان را پایمال کردیم. ۱۹ گناهان ما را پاک کرده و خطاهای ما را محو کن؛ و رحمت خود را در این ساعت آشکار بساز. ۲۰ باشد که رحمت تو به سرعت ما را بپوشاند، و ستایش تو بر لب کسانی جاری شود که فرو ریخته‌اند و روح آنها در مصیب شکسته شده است، باشد که آرامی تو، ما را فرا گیرد.

مجازات بظلمیوس فیلوپاتور

۲۱ پس از آن خدا که ناظر بر همه چیز و پدر همه، و مقدس‌ترین در بین مقدسین است؛ این دعا را که بر اساس احکام او بود، مورد توجه قرار داد. و کسی را که در گستاخی و تکبر، خود را بالاتر از همه می‌دانست، به مجازات رساند. ۲۲ خداوند او را به گونه‌ای به اینطرف و آنطرف تکان داد که گویی یک چوب نی در اثر باد تکان می‌خورد؛ و سپس چنان بر زمین افتاد که کاملاً درمانده شد؛ علاوه بر اینکه تمام بدن او فلج شد، حتی قادر به صحبت کردن هم نبود، زیرا او توسط یک داور صالح مورد مجازات قرار گرفته بود. ۲۳ سپس دوستان و محافظان او، با دیدن رنج و عذاب شدیدی که بر او غلبه کرده بود، دچار وحشت شدند و از ترس اینکه جان خود را از دست بدهد او را سریعاً بلند کردند. ۲۴ پس از مدتی بهبود یافت و هرچند مجازات شده بود، اما به هیچ وجه توبه نکرد، بلکه آنجا را با ابراز تهدید و ارباب زیاد ترک کرد.

اقدامات خصمانه علیه یهودیان

۲۵ پادشاه هنگامی که به مصر رسید، با همراهان و دوستان خود که نسبت به هیچ چیزی اهمیت نمی‌دادند، شروع به شراب خواری کرد و بدینسان بر بدی و کینه توزی خود که قبلاً ذکر آن رفته بود همچنان ادامه داده و بر آنها افزود. ۲۶ او از اعمال بی حد و حساب هرزگی خود راضی نبود، اما حتی با چنان جسارتی به اعمال شیطانی خود ادامه داد که شایعات و اخبار دروغینی را بر علیه یهودیان در مناطق مختلف منتشر کرد. و بسیاری از دوستانش، که با دقت اهداف شاه را زیر نظر داشتند، خود نیز از خواست او پیروی کردند. ۲۷ او پیشنهاد کرد که سبب شرمساری جامعه یهود شوند، و

از اینرو یک کتیبه سنگی با این مضمون در حیاط برج معبد نصب کرد: ۲۸ هر کسی که قصد قربانی کردن ندارد، نباید وارد معبد شود. علاوه بر این، همه یهودیان باید همانند بردگان ثبت نام شده و از آنها مالیات سرانه گرفته شود. کسانی که اعتراض می‌کنند باید با زور تحت پیگرد قرار گرفته و به قتل برسند. ۲۹ کسانی که ثبت نام کرده‌اند، همچنین باید نماد برگ پیچک دیونیسوس^۱ را با آتش بر روی بدن خود داغ کنند و حقوق شهروندی آنها نیز مانند دوران سابق، محدود شده و کاهش خواهد یافت. ۳۰ اما برای اینکه به نظر نرسد که پادشاه در کل از قوم یهود نفرت دارد؛ در زیر آن نوشت: اما اگر هر کدام از آنها ترجیح دهند وارد اجتماع کسانی شوند که مراسم و سنتهای یونان را بجا می‌آورند، از نظر حقوقی با شهروندان اسکندریه برابر خواهند بود.

۳۱ اما اکنون برخی از یهودیان، با بی حرمتی آشکار، دین و آیین نیاکان خود را نادیده گرفته و به آسانی تسلیم نظرات پادشاه شدند، زیرا انتظار داشتند که با همکاری آینده خود با پادشاه، از شهرت و موقعیت مناسبی برخوردار شوند. ۳۲ اما اکثریت یهودیان با روحیه‌ای جسورانه، دین و آیین خود را رها نکرده و با شجاعت ایستادگی کردند. و با پرداخت رشوه در ازای زندگی، سعی کردند تا خود را از ثبت نام نجات دهند. ۳۳ آنها با قاطعیت امیدوار بودند که از جایی به آنها کمک خواهد شد، و از کسانی که خود را از آنها جدا کرده بودند، شرم داشتند و آنها را دشمن قوم یهود می‌دانستند، و دیگر با آنها در ارتباط نبودند و هیچ کمکی هم به یکدیگر نمی‌کردند.

یهودیان و همسایگان آنها

۳ هنگامی که پادشاه خدا شناس از این امر آگاه شد، چنان عصبانی شد که نه تنها نسبت به یهودیانی که در اسکندریه زندگی می‌کردند خشمگین شد، بلکه نگرش او نسبت به یهودیانی که در حومه شهر هم زندگی می‌کردند، خصمانه‌تر شد. از اینرو دستور داد که همه آنها را در یکجا جمع کرده و با وحشیانه‌ترین وسیله ممکن به قتل برسانند. ۲ در حالی که این امور به مرحله اجرا گذاشته شده بود، برخی از مردم قصد داشتند با انتشار

۱ - نام یکی از خدایان اساطیری یونان که کنترل زراعت و حاصلخیزی زمین در دست او بود و برگ پیچک از نمادهای این خدا محسوب می‌شد.

گزارشی خصمانه علیه یهودیان به بهانه اینکه یهودیان از اجرای مراسم و سنت سایر ملل جلوگیری می‌کنند از آداب و رسوم خود آنها جلوگیری کنند تا بدین وسیله به قوم یهود آسیب وارد کنند. ۳ اما یهودیان همچنان به حفظ حسن نیت و وفاداری ناخواسته خود نسبت به این سلسله ادامه دادند. ۴ اما چون آنها خدا را پرستش می‌کردند و طبق احکام او رفتار می‌کردند، از خوردن مواد غذایی غیر شرعی اجتناب می‌کردند. به همین دلیل، رفتار آنها به نظر برخی از افراد خصمانه به نظر می‌رسید و از آنها متنفر بودند؛ ۵ اما از آنجا که سبک زندگی آنها بر اساس راستی و انجام امور صحیح و نیکوکارانه قرار داشت، در بین همه از شهرت خوبی برخوردار بودند. ۶ با این وجود، سایر نژادها توجهی به خدمات خوب آنها نسبت به ملت خود نمی‌کردند، هر چند که رفتار خوب آنها زبانزد همه مردم بود. ۷ در عوض آنها در مورد تفاوت عبادت و غذای یهودیان شایعه درست کرده و ادعا می‌کردند که این افراد نه تنها نسبت به شاه و به مقامات او وفادار نیستند، بلکه رفتار آنها خصمانه و مخالف دولت شاه است. و بدین ترتیب آنها یهودیان را مقصر اصلی و قابل توبیخ می‌دانستند.

۸ یونانیان این شهر که به هیچ وجه مورد ستم و آسیب یهودیان قرار نگرفته بودند، وقتی دیدند که یک آشفتگی و یک طوفان غیر منتظره در اطراف این قوم در حال شکل‌گیری است، هر چند که به اندازه کافی قدرتمند نبودند که به آنها کمک کنند، زیرا خودشان نیز در زیر استبداد زندگی می‌کردند. اما با ابراز همدردی از اوضاع و احوال پیش آمده، یهودیان را تسلی داده و امیدوار بودند که این شرایط تغییر کند. ۹ زیرا یک چنین جامعه بزرگی وقتی مرتکب تخلف نشده باشد نباید به حال خود رها شود، تا دیگران هر بلایی سر آنها بیاورند. ۱۰ برخی از همسایگان و دوستان و همکاران تجاری یهودیان از قبل برخی از آنها را به صورت خصوصی به کناری کشیده و قول می‌دادند که از آنها محافظت کنند و تمام تلاش خود را برای کمک به آنها انجام دهند.

فرمان بطلمیوس فیلیپاتور

۱۱ سپس پادشاه، با افتخار به موقعیت فعلی خود، و بدون در نظر گرفتن قدرت خدای متعال، و با فرض اینکه هیچگونه مانعی در روند ادامه نقشه‌های او وجود ندارد؛ این نامه را علیه یهودیان نوشت: ۱۲ از پادشاه بطلمیوس

فیلوپاتور به تمامی فرماندهان سپاه و سربازان خود در مصر و همه مناطق آن، با درود و آرزوی سلامتی:

۱۳ من و دولت ما در تمامی امور به خوبی پیش می‌رویم. ۱۴ بعد از اینکه مبارزات ما در آسیای صغیر با کمک خدایانی که در کنار ما می‌جنگیدند به نتیجه مطلوب رسید، همانطور که خودتان هم از آن آگاه هستید؛ ۱۵ فکر کردم که نباید اقوام ساکن در دره بقاع و فنیقیه را با قدرت سرنیزه اداره کنیم؛ بلکه باید به آنها با اعتدال و خیرخواهی ارج بگذاریم، و با خرسندی تمام، نسبت به آنها رفتار خوبی داشته باشیم. ۱۶ بعد از اینکه بودجه‌های عظیمی را در معابد هر شهر توزیع کردیم، به اورشلیم نیز رفتیم و خواستیم برای ادای احترام به معبد آن افراد شرور برویم که هرگز از حماقتشان دست بر نمی‌دارند. ۱۷ آنها به گونه‌ای صحبت کردند که گویی از حضور ما استقبال می‌کنند، اما در واقع مزورانه عمل کردند، زیرا هنگامی که ما پیشنهاد دادیم که وارد بخش داخلی معبد آنها شویم و با تقدیم هدایای بی نظیر و با شکوه به آن احترام بگذاریم، ۱۸ آنها با پیش کشیدن سنتهای متکبرانه خود، مانع از ورود ما شدند. اما آنها به دلیل خیرخواهی که ما نسبت به همگان داریم از قدرت ما در امان ماندند. ۱۹ آنها با حفظ خصومت آشکار خود نسبت به ما، تنها قومی در بین تمام ملل هستند که با چنین سرسختی از دستورات پادشاه و خیرخواهان او سرپیچی می‌کنند، و مایل نیستند که تسلیم چیزهای معقول شوند.

۲۰ اما ما وقتی با پیروزی به مصر بازگشتیم، در برابر حماقت آنها به درستی عمل کردیم، زیرا با همه اقوام با خیرخواهی رفتار می‌کنیم. ۲۱ در میان چیزهای دیگر، ما به همه نشان دادیم که در اینجا نسبت به هموطنانشان با عفو و مروت برخورد کرده‌ایم، هم به دلیل اتحاد آنها با ما و هم برای امور بی شماری که از ابتدا به آنها واگذار کرده‌ایم. و ما اقدام به تصمیم برای ایجاد تغییراتی در وضعیت آنها گرفتیم و آنها را شایسته تابعیت اسکندر به دانستیم تا بتوانند در آیین‌های مذهبی ما بطور منظم شرکت کنند. ۲۲ اما آنها بواسطه کینه توزی و بدخواهی ذاتی خود، به این کار با دید بد نگاه کردند، و هر آنچه را که خوب بود تحقیر کردند، از آنجا که دائماً به شرارت گرایش دارند، ۲۳ آنها نه تنها پیشنهاد شهروندی را رد کردند، بلکه هم با گفتار و هم با سکوت، معدود کسانی را که نسبت به ما ارادت صمیمانه دارند، مورد انزجار خود قرار می‌دهند. مطابق با شیوه زندگی و

آیین منحوس خود، مخفیانه گمان می‌کنند که در هر موقعیتی می‌توانند ما را مجبور به تغییر این سیاست کنند. ۲۴ بنابراین، با این نشانه‌ها کاملاً متقاعد شده‌ایم که رفتار آنها نسبت به ما از هر نظر با بدخواهی همراه است، از اینرو اقدامات احتیاطی را انجام داده‌ایم به گونه‌ای که اگر بعداً یک شورش ناگهانی علیه ما بوجود بیاید، اطمینان داشته باشیم که این افراد خائن و دشمن غیر متمدن را در پشت سر خود نخواهیم داشت.

۲۵ بنابراین ما دستور داده‌ایم که به محض رسیدن این نامه، فوراً یهودیانی را که در میان شما زندگی می‌کنند، به همراه همسران و فرزندان‌شان و با رفتار توهین آمیز و خشن به نزد ما بفرستید؛ آنها را از هر طرف در زنجیر آهنی ببندید تا رنج بکشند. و به دست مرگ مطمئن و شرم آوری سپرده شوند که مناسب حال دشمنان است. ۲۶ ما اطمینان داریم که وقتی این افراد مجازات شوند، امور کشور ما در آینده با امنیت بیشتر و در شرایط و وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت. ۲۷ اما کسانی که به هر یک از یهودیان پناه می‌دهند، از سالخورده تا کودک شیرخوار همراه با خانواده خود، به بدترین شکل ممکن شکنجه شده و سپس اعدام می‌شوند. ۲۸ هر کسی که مایل به اطلاع رسانی و دادن گزارش در این موارد باشد، اموال کسانی که مجازات می‌شوند، و همچنین دو هزار درهم از خزانه سلطنتی دریافت می‌کند، و آزادی خود را نیز به دست خواهد آورد. ۲۹ اما بدون استثنا در هر مکانی که یک یهودی در آن پناه گرفته باشد، ورودی آن بسته و به آتش سوخته خواهد شد. و دیگر قابل سکونت برای هیچ موجود زنده‌ای نخواهد بود. ۳۰ و بدینسان این نامه به شکل بالا نوشته شد.

تبعید یهودیان به اسکندریه

۴ این فرمان به هر جایی که می‌رسید و خوانده می‌شد؛ جشنهایی با هزینه عمومی برای سایر اقوام غیر یهودی با فریاد و شادی ترتیب داده می‌شد؛ و دشمنی دیرینه‌ای که از مدتها پیش در ذهن آنها بود، اکنون مشهود و آشکار می‌شد. ۲ اما در بین یهودیان سوگواری مداوم، ماتم و فریادهای اشک آلود بود. قلب آنها در همه جا از آتش گداخته بود و به خاطر ویرانی و نابودی غیر منتظره‌ای که به طور ناگهانی بر آنها حکم شده بود، لبریز از غم و اندوه بودند. ۳ هیچ منطقه یا شهر، یا هیچ مکان مسکونی نبود، که خیابان‌های آن مملو از ناله و اندوه برای آنها نباشد؟ ۴ زیرا آنها چنان به

طرز سخت و بی رحمانه‌ای به دست نظامیان شهرها اعزام و تبعید می‌شدند که به خاطر چنین مجازات‌های غیر معمولی، حتی برخی از دشمنان یهود، در مقابل چشمان آنها احساس ترحم کرده و می‌گریستند؛ زیرا این وضع وحشتناک را می‌دیدند و به آینده نامشخص زندگی خود فکر می‌کردند. ۵ بسیاری از سالخوردگان با موهای سفید و بدنی نحیف و خمیده مجبور بودند با سرعت زیاد حرکت کنند زیرا افراد پادشاه بدون توجه به سن آنها، با خشونت آنها را به جلو می‌رانند که سبب خجالت و شرمساری بود.

۶ و زنان جوانی که تازه وارد اتاق حمله شده تا زندگی مشترک خود را شروع کنند، بجای شادی و تبریک، بر موهای خوشبو و آراسته خود، خاکستر پاشیده و روبنده خود را به کناری انداخته بودند. و همه آنها به جای آواز عروسی، مرثیه سوگواری می‌خواندند. زیرا آنها بر اثر برخورد شدید و رفتار بیرحمانه سایر اقوام از هم فرو ریخته بودند. ۷ این اسیران در بند با خشونت در انتظار عمومی کشیده می‌شدند تا سوار کشتی شوند. ۸ گردن همسرانشان در ابتدای جوانی به جای گردنبند جواهرات، با طناب بسته شده بود؛ آنها روزهای باقی مانده از مراسم عروسی خود را به جای جشن گرفتن و لذت بردن از دوران جوانی، به گریه و ماتم می‌گذراندند، و گور را قبل از هر چیز دیگری می‌دیدند. ۹ آنها را مانند حیوانات وحشی، با تسمه و زنجیر آهنی به تخته می‌بستند؛ برخی از آنها را از گردن به نیمکت قایق‌ها می‌بستند، و پاهای برخی دیگر را نیز با قفلهایی که غیر قابل شکستن بودند محکم بسته بودند، ۱۰ و علاوه بر این، آنها را در زیر عرشه محکم محصور کرده بودند تا در طول سفر، مانند خائنین با آنها رفتار کنند؛ به طوری که در تاریکی کامل قرار گرفته و هیچ چیز را نمی‌دیدند.

یهودیان در زندان شدیدا

۱۱ هنگامی که این افراد به مکانی به نام شدیا رسیدند و دقیقاً همانگونه که پادشاه حکم کرده بود سفر به پایان رسید. آنگاه پادشاه دستور داد که باید آنها را به میدان اسب دوانی ببرند؛ که با یک دیوار بلند و بی نظیر در مقابل شهر ساخته شده بود. این مکان در وضعیت مناسبی قرار داشت تا آنها را به یک منظره دیدنی و بدیهی برای تمام کسانی قرار دهد که به داخل شهر می‌آیند و یا از شهر خارج می‌شوند. همچنین آنها نه می‌توانستند با افراد پادشاه ارتباط برقرار کنند و نه به هیچ وجه ادعای حضور در

داخل شهر را داشته باشند؛ زیرا آنها را شایسته ورود به شهر نمی‌دانستند. ۱۲ هنگامی که این کار به انجام رسید، پادشاه شنید که هموطنان یهودی آنها غالباً به طور پنهانی از شهر بیرون می‌روند تا با آنها برای شرایط ناامید کننده و مصیبت پیش آمده، ابراز همدردی و سوگواری کنند. ۱۳ پادشاه با عصبانیت دستور داد که با اینها دقیقاً مانند سایر یهودیان رفتار شود، و هیچ جزئی از مجازات آنها کم نشود. ۱۴ کل قوم یهود باید بصورت فردی ثبت نام می‌شدند، نه برای اموری که قبلاً بطور مختصر ذکر شد، بلکه برای مجازات با شکنجه‌های سختی که پادشاه مقرر کرده بود و در انتها نیز در طی یک روز، همه باید کشته می‌شدند. ۱۵ از اینرو ثبت نام این افراد از طلوع خورشید تا غروب آفتاب با عجله و جدیت انجام می‌شد و پس از گذشت چهل روز به پایان رسید اما هنوز هم کامل نبود.

۱۶ پادشاه لبریز از شادی و شور و شغف بود، در معابد ضیافتگاهی را به احترام همه بتهای خود ترتیب داد. او با ذهنی به دور از حقیقت و با دهانی آلوده به کفر، بتهایی را ستایش می‌کرد که قادر به سخن گفتن نبودند، حتی قادر به برقراری ارتباط و یا کمک به کسی هم نبودند. او همچنین سخنان نادرست و ناروایی را علیه خداوند متعال بر زبان آورد. ۱۷ اما بعد از گذشت مدت زمانی که قبلاً ذکر شد یعنی در پایان چهل روز، کاتبان به پادشاه اعلام کردند که به دلیل تعداد بیشمار یهودیان، دیگر قادر به سرشماری و تهیه فهرست اسامی یهودیان نیستند. ۱۸ گرچه اکثریت آنها هنوز در داخل کشور بودند، اما برخی هنوز در خانه‌های خود و برخی حتی در راه بودند؛ و بدینسان انجام این کار برای ماموران مصری غیر ممکن شده بود. ۱۹ اما پادشاه، ماموران خود را به شدت تهدید و متهم کرد که برای رها کردن یهودیان از آنها رشوه گرفته و وسایل فرار آنها را فراهم کرده‌اند، ۲۰ اما وقتی ماموران ثابت کردند که برای سرشماری از چه مقدار کاغذ و قلم استفاده کرده‌اند؛ پادشاه کاملاً قانع و متقاعد شد. ۲۱ اما این اتفاق به واسطه مشیت و کمک غیر قابل شکست خداوند بود که از آسمان به یهودیان می‌شد.

خنثی شدن نقشه پادشاه

۵ ۱ سپس پادشاه که کاملاً انعطاف ناپذیر و پر از خشم و غضب فراوان بود، هرمان، نگهبان فیل‌ها را احضار کرد. ۲ و روز بعد به او دستور داد تا تمام فیل‌ها را که پانصد عدد می‌شدند با مقدار زیادی کندر هندی

و شراب مخلوط نشده بسیار غلیظ تغذیه کند و فیلها را که از نوشیدن این مواد، کاملاً سرمست و دیوانه شده‌اند، به میان یهودیان بفرستد تا آنها به سرنوشت عذاب آوری برسند که برایشان مقرر شده است. ۳ وقتی بطلمیوس این دستورات را صادر کرد، همراه با دوستانش و سپاهیان خود، مخصوصاً آنهایی که با یهودیان رفتار خصمانه داشتند، به جشن و پایکوبی خود بازگشت. ۴ و هرمان، نگهبان فیل‌ها، به سرعت و با وفاداری کامل، شروع به اجرای دستورات پادشاه کرد. ۵ افرادی که مسئولیت یهودیان را بر عهده داشتند در هنگام غروب بیرون رفتند و دست این قوم رنجور و مصیبت زده را بستند و در تمامی طول شب به نگهبانی پرداختند، آنها متقاعد شده بودند که کل این نژاد به پایان راه خود رسیده و نابودی نهایی خود را تجربه خواهد کرد. ۶ زیرا برای سایر اقوام غیر یهود اینچنین به نظر می‌رسید که یهودیان بدون هیچ گونه کمکی همچنان باقی خواهند ماند. ۷ آنها در اسارت خود از هر طرف محدود و تحت فشار بودند؛ اما با اشک و فریاد، همه آنها دستان خود را برای کمک بسوی خداوندی برافراشتند که قادر متعال و حاکم بر تمامی قدرتها، و خداوند و پدر پر از رحمت آنها بود. ۸ دعا کردند که او به خونخواهی آنها از طرح شیطانی که علیه آنها برنامه ریزی شده است جلوگیری کند و با تجلی پر شکوه خود، آنها را از سرنوشتی که برای ایشان رقم زده شده است نجات دهد. ۹ بدینسان صدای فریاد دعای آنها با اطمینان کامل و بطور قطع به آسمان رسید.

۱۰ هرمان فیل‌های بی پروا را تا آنجا که امکان داشت مست کرد، چنانچه شکم آنها از مقدار زیادی شراب پر شده بود و از مخلوط کن‌های هندی کاملاً سرحال بودند، از اینرو صبح زود به صحن کاخ آمد تا آمادگی فیلها را به پادشاه گزارش دهد. ۱۱ اما خداوند خواب را بر پادشاه مستولی کرد، خواب چیزی بود که خداوند آنها را از ابتدای آفرینش در نظر گرفته بود، و از اینرو روز و شب را آفرید؛ و بدینسان او قادر است تا آنها سخاوتمندانه به هر کسی که می‌خواهد اهدا کند. ۱۲ و با خواست خداوند، او چنان در خواب دلپذیر و عمیقی فرو رفت که از به ثمر رساندن هدف غیر معقول خود کاملاً ناکام ماند و نتوانست نقشه شوم خود را به مرحله اجرا درآورد. ۱۳ یهودیان از آنجا که در ساعت اعلام شده مورد مجازات قرار نگرفتند، خدای مقدس را ستایش کردند و دوباره از خداوندی که به آسانی قوم خود را بیاد می‌آورد، درخواست کردند تا قدرت دست توانمند خود را به اقوام بیگانه و متکبر نشان دهد.

۱۴ وقتی تقریباً اواسط ساعت دهم بود، کسی که مسئولیت دعوت میهمانان را بر عهده داشت، وقتی که دید همه مهمانها آمده‌اند، به پادشاه نزدیک شد و سعی کرد به آهستگی او را بیدار کند. ۱۵ و هنگامی که پادشاه را به سختی از جای خود بلند کرد، به او اطلاع داد که ساعت ضیافت از قبل فرا رسیده است و اوضاع را برای پادشاه شرح داد. ۱۶ پادشاه پس از در نظر گرفتن این موضوع، دوباره مشغول نوشیدن خود شد و به حاضران دستور داد که ضیافت را برپا کنند. ۱۷ هنگامی که این کار انجام شد، آنها را ترغیب کرد که برای شاد شدن به عیش و نوش پردازند و با جشن بیشتر، زمان از دست رفته را جبران کنند. ۱۸ بعد از مدتی که مهمانی ادامه داشت، پادشاه هرمان را احضار کرد و با تهدید و ارباب زیاد، از او پرسید که چرا به یهودیان اجازه داده شده تا امروز زنده بمانند؟ ۱۹ اما او با تأیید دوستان پادشاه، ابراز کرد که در هنگام شب به طور کامل دستورات پادشاه را انجام داده است. ۲۰ پادشاه، که در ستمگری بدتر از فالاریس^۱ بود، گفت پس یهودیان از خواب امروز من بخوبی بهره‌مند شده‌اند، اما سپس افزود، فردا بدون تأخیر، فیل‌ها را به همان شیوه برای نابودی یهودیان قانون شکن آماده کنید! ۲۱ وقتی سخنان شاه به پایان رسید، همه حاضران به راحتی و با نشاط فراوان، یک صدا آنرا تأیید کردند و سپس همه به خانه‌های خود رفتند. ۲۲ آنها در طول شب بجای اینکه به بستر خود رفته و بخوابند؛ نسبت به کسانی که فکر می‌کردند محکوم به مرگ هستند، از هیچ‌گونه توهینی دریغ نکردند.

۲۳ سپس به محض اینکه صدای آواز خروس در اوایل صبح شنیده شد، هرمان حیوانات را آماده و شروع به حرکت دادن آنها به سمت ستون بزرگ کرد. ۲۴ جمعیت کل شهر برای دیدن این منظره ترسناک جمع شده و مشتاقانه منتظر طلوع صبح بودند. ۲۵ اما یهودیان، در واپسین زمان حیات خود، واکنش نشان دادند؛ دستان خود را به سمت آسمان بالا برده و با اشک و تضرع فراوان و خواندن مرثیه‌های سوگواری، به خداوند متعال متوسل شدند تا یکبار دیگر به آنها کمک کند. ۲۶ پرتوهای خورشید هنوز همه جا

۱ - فالاریس حاکم مطلق آکراگاس در جزیره سیسیل بود. او در عین حال برای ستمگری‌های بیش از اندازه‌اش نیز شهرت داشت. همچنین بنا بر برخی روایات، فالاریس آدم خوار بود و نوزادان را می‌خورد.

را فرا نگرفته بود، و در حالی که پادشاه دوستان خود را می‌پذیرفت، هرمان وارد شد و از او دعوت کرد تا بیرون آمده و ببیند آنچه را که دستور داده بود، آماده عمل است. ۲۷ با شنیدن این خبر، پادشاه از دعوت غیر معمول برای بیرون آمدن از قصر متعجب شد. و در حالیکه کاملاً متحیر شده بود از او پرسید که منظور از این آماده سازی جدی چیست. ۲۸ این عمل دست خدا بود که بر همه چیز حاکم است؛ زیرا ذهن پادشاه را به فراموشی مبتلا ساخته بود تا نقشه‌هایی را که قبلاً کشیده بود بیاد نیاورد. ۲۹ سپس هرمان و همه دوستان پادشاه یادآور شدند که اعلیحضرت، گروه حیوانات و نیروهای مسلح طبق هدف و برنامه مشتاقانه شما آماده عمل هستند.

۳۰ اما پادشاه با این سخنان، پر از خشم و غضب شد، زیرا مشیت خدا تفکرات وی را در مورد این امور پراکنده کرده بود. و با نگاه تهدیدآمیز گفت، ۳۱ اگر والدین یا فرزندان شما در اینجا بودند، من آنها را آماده می‌کردم تا حیوانات وحشی به جای یهودیان، از خوردن آنها برای خود جشن بگیرند. یهودیان تا آنجا که من می‌دانم، بی ادعا هستند و هیچ شکایتی به من نمی‌کنند؛ و نسبت به اجداد من کاملاً وفادار بوده و آنرا به دیگران نشان داده‌اند. ۳۲ در واقع اگر به خاطر آشنایی و تربیت مشترک ما و خدمات شما نبود، این شما بودید که باید به جای آنها از زندگی محروم می‌شدید. ۳۳ هرمان نیز که شاهد یک چنین رفتار غیر قابل انتظار و تهدید آمیزی بود، چشمان و صورتش از وحشت موج زد. ۳۴ دوستان پادشاه یک به یک و بدون سر و صدا، آنجا را ترک کرده و به دنبال کار خود رفتند. ۳۵ سپس یهودیان با شنیدن سخنان پادشاه، تجلی و حضور خداوند خدا، پادشاه پادشاهان را ستایش کردند، زیرا در واقع این کمک او بود که به فریاد آنها رسیده بود. ۳۶ اما پادشاه، باز هم به همین ترتیب ضیافت را دوباره برگزار کرد و از مهمانان دعوت کرد که برای جشن گرفتن به ضیافت بیایند. ۳۷ پس از احضار هرمان، او با لحنی تهدیدآمیز گفت: ای موجود ضعیف و بیچاره، باید چند بار به تو دستوراتی در مورد این چیزها بدهم؟ ۳۸ اکنون فیل‌ها را یک بار دیگر تجهیز و آماده کن، تا یهودیان را فردا از بین برده و نابود کنیم. ۳۹ اما مقاماتی که با او در کنار سفره بودند از ناپایداری ذهن او تعجب کرده و شروع به اعتراض به شرح زیر کردند: ۴۰ اعلیحضرت، تا چه زمانی ما را امتحان می‌کنید، گویی که ما احمق هستیم، اکنون این سومین بار است که دستور نابودی یهودیان را می‌دهید، و دوباره حکم خود را در ارتباط با آن

ابطال می‌کنید؟ ۴۱ در نتیجه، شهر به دلیل انتظار، دچار اضطراب و آشفتگی شده و مملو از توده‌های مردم است، و بدینسان در معرض خطر غارت قرار دارد.

۴۲ در این هنگام پادشاه که کاملاً همانند یک فالاریس^۲ و پر از جنون شده بود، در تغییر ذهنیتی که برای محافظت از یهودیان در او به وجود آمده بود هیچ اهمیتی نداد، و قاطعانه سوگند غیر قابل برگشتی یاد کرد که آنها را بدون تاخیر در زیر دست و پای حیوانات انداخته و به کام مرگ خواهد فرستاد. ۴۳ همچنین برای جنگ و تصرف یهودا حرکت خواهد کرد و آنرا با آتش و نیزه با خاک یکسان می‌کند و معبدی را که اجازه ورود آنرا به او ندادند، به آتش کشیده، و نابود خواهد کرد. و آنرا به سرعت و برای همیشه تهی از کسانی خواهد کرد که در آنجا قربانی می‌کردند. ۴۴ سپس دوستان و مقامات با خوشحالی عزیمت کردند و آنها نیروهای مسلح را با اطمینان کامل در نقاطی از شهر مستقر کردند که برای نگهبانی مناسب و ضروری بودند. ۴۵ فیله‌ها با معطرترین نوشیدنی‌ها، یعنی شراب مخلوط با کندر هندی، در حالت جنون بسر می‌بردند. و همچنین برای کشتار به تله‌ها و ابزار وحشتناک مجهز شده بودند. ۴۶ حوالی سپیده دم، هنگامی که شهر لبریز از جمعیتی بود که به طرف میدان مسابقه حرکت می‌کرد، نگهبان فیله‌ها وارد صحن کاخ شد و از پادشاه خواست که انجام این امر را در دست خود بگیرد. ۴۷ بنابراین او که ذهن و اندیشه منحوس خود را از خشم و غضب پر کرده بود، با تمام وجود به بیرون و به طرف حیوانات رفت و آرزو داشت با چشمان و با قلب سنگدل خود شاهد نابودی دردناک و ناراحت کننده افراد یاد شده باشد.

۴۸ هنگامی که یهودیان گرد و غباری را که توسط فیل‌ها در بیرون از دروازه به هوا برخاسته بود و نیروهای مسلح را که به دنبال آنها می‌آمدند به چشم خود دیدند، و همچنین صدای ازدحام جمعیتی را شنیدند که که با سر و صدا و هیاهوی بسیار آنها را همراهی می‌کردند؛ ۴۹ فکر کردند که این آخرین لحظه زندگی آنهاست، پایان بدبختی و مصیبتی است که به تاخیر

۲ - فالاریس حاکم مطلق آکراگاس در جزیره سیسیل بود. او در عین حال برای ستمگری‌های بیش از اندازه‌اش نیز شهرت داشت. همچنین بنا بر برخی روایات، فالاریس آدم خوار بود و نوزادان را می‌خورد.

افتاده بود. آنها شروع به ناله و زاری کردند، یکدیگر را می‌بوسیدند، بستگان خود را در آغوش می‌گرفتند؛ و والدین و فرزندان، و مادران و دختران، سر خود را روی شانه‌های همدیگر می‌گذاشتند. و مادرانی که کودک شیرخوار داشتند، آخرین شیر را به نوزادان خود می‌دادند. ۵۰ نه تنها این، بلکه وقتی کمکی را که قبلاً از آسمان دریافت کرده بودند به یاد می‌آوردند، همه با هم و بطور یکنواخت بر روی زمین سجده می‌کردند و حتی نوزادان را از سینه خود جدا می‌ساختند. ۵۱ و با صدای بسیار بلند بسوی آسمان فریاد کشیده و از حاکم قادری که فراتر از هر قدرتی است درخواست می‌کردند تا خود را نشان داده و نسبت به آنها رحم کند، زیرا آنها هم اکنون در دروازه مرگ ایستاده بودند.

دعای العازر

۶ ۱ سپس شخصی بنام العازر که از شخصیت‌های ممتاز و معروف در بین کاهنان کشور بود، و به دوران پیری خود رسیده بود و در طی عمر خود صاحب فهم و کمال شده و بدینسان به هر فضیلتی آراسته بود؛ از بزرگان پیرامون خود خواست که سکوت کرده و از دعوت خدای مقدس دست بردارند، و خودش چنین آغاز به دعا کرد: ۲ پادشاه توانا و پر قدرت، خدای قادر متعال، که تمامی آفرینش را به رحمت خود اداره می‌کند. ۳ ای پدر به فرزندان ابراهیم نگاه کن؛ فرزندان یعقوب مقدس، قومی را که به عنوان میراث خود برگزیده‌ای، به یاد بیاور که اینک در سرزمین بیگانگان در حال هلاک شدن هستند. ۴ فرعون، حاکم پیشین این سرزمین مصر، که با اقدامات گستاخانه و زبان پر از تکبرش، خود را برافراشته بود؛ تو او را به همراه سپاه مغرورش و تعداد زیاد ارباب‌هایش نابود کرده و همه آنها را به قعر دریا فرستادی و بدینسان نور رحمت خود را به قوم اسرائیل نشان دادی. ۵ سَنحاریب، پادشاه بی رحم آشور، که به نیروهای بیشمار خود فخر می‌کرد و قبلاً تمام زمین را با زور نیزه به زیر سلطه خود درآورده بود. وقتی در برابر شهر مقدس تو قیام کرد، و در مقابل تو دست به سخنان تند و توهین آمیز زد؛ ای خداوند، تو او را در هم شکسته و قدرت خود را آشکارا به بسیاری از ملل نشان دادی. ۶ سه دوست در بابل که داوطلبانه جان خود را به آتش انداختند تا در خدمت چیزهای باطل و بیهوده نباشند، تو آنها را بدون هیچ آسیبی نجات دادی، حتی یک مو هم از سر آنها کم

نشد؛ تو کوره آتش را با شبنم مرطوب کرده و شعله‌های آتش را بر روی دشمنان آنها فرو ریختی. ۷ دانیال به دلیل تهمت و حسادت، به چاه شیرها انداخته شد تا خوراک حیوانات وحشی شود، اما تو او را بدون هیچ آسیبی از اعماق تاریکی به نور باز گرداندی. ۸ و یونس در شکم یک هیولای بزرگ دریایی فرو رفت، اما تو ای پدر، مراقب او بودی و او را زنده و بدون هیچ صدمه‌ای احیا کرده و به نزد خانواده‌اش باز گرداندی. ۹ و حال که تو از تکبر و گستاخی کراحت داری، و نسبت به همه رحیم هستی و از مظلومان دفاع می‌کنی، خود را فوراً به قوم اسرائیل مکشوف کن؛ که توسط غیر یهودیان بت پرست با آنها به شکلی ظالمانه رفتار می‌شود.

۱۰ حتی اگر زندگی ما در تبعید به دلیل گناهان ما بوده است، ما را از دست دشمنان خود نجات داده و ما را به هر طریق دیگری که خود انتخاب می‌کنی، نابود بساز. ۱۱ اجازه نده که این افراد با افکار بیهوده، خدایان باطل خود را برای از بین بردن قوم عزیز تو ستایش کرده و بگویند: حتی خدایشان آنها را نجات نداد! ۱۲ اما تو ای خدای ابدی که تمامی قدرت و اقتدار را در دستان خود داری، اکنون نگاه خود را به ما دوخته و به ما رحم کن، که در تکبر و لجابت بی معنی افراد خدا شناس، همانند خائنین از زندگی خود محروم می‌شویم. ۱۳ و بگذار امروز سایر اقوام بواسطه قدرت شکست ناپذیر تو از ترس بر خود بلرزند؛ ای خدای عظیم و پُر جلال، تنها تو قادر به نجات قوم یعقوب هستی؛ ۱۴ امروز تمام نوزادان و والدین آنها با اشک به حضور تو آمده‌اند. ۱۵ خداوند، بگذار امروز همه ملت‌ها ببینند که تو با ما هستی، و روی خود را از ما برنگردانده‌ای. بلکه همانطور که دقیقاً خو تو گفتی، «حتی وقتی آنها در سرزمین دشمنان خود بودند، از آنها غفلت نکردم،» پس خداوند، امروز نیز همین کار را برای قوم خود انجام بده.

نجات یهودیان

۱۶ درست هنگامی که العازر دعای خود را به پایان رساند، پادشاه با جانوران مهیب و تمام تکبر و قدرت خود وارد میدان مسابقه شد. ۱۷ و هنگامی که یهودیان این صحنه را مشاهده کردند، آنقدر با صدای بلند به طرف آسمان فریاد کشیدند که حتی دره‌های مجاور نیز پر از طنین صدای آنها شد؛ و وحشت غیر قابل منتظره‌ای بر سپاهیان مستولی شد. ۱۸ سپس خدای پر جلال، قادر توانا و خدای حقیقی، حضور مقدس خود را آشکار

ساخت و دروازه‌های آسمان را باز کرد که از آن دو فرشته با شکوه با ظاهری هراسناک فرود آمدند، این دو فرشته برای همه به غیر از یهودیان قابل مشاهده بودند. ۱۹ آنها در مقابل نیروهای دشمن قرار گرفتند و آنها را از آشفتگی و هراس پر ساختند، چنانچه آنها در سر جای خود خشک شده و قادر به حرکت نبودند. ۲۰ حتی بدن پادشاه نیز شروع به لرزش نمود و گستاخی‌های تکبر آمیز خود را فراموش کرد. ۲۱ فیله‌ها به طرف نیروهای مسلح برگشته و به آنها حمله کردند؛ و آنها را در زیر پاهای خود از بین بردند.

۲۲ آنگاه عصبانیت پادشاه به خاطر نقشه‌هایی که از قبل کشیده بود به ترحم و اشک تبدیل شد. ۲۳ وقتی صدای بلند فریاد آنها را شنید و یهودیان را دید که همه آنها در انتظار نابودی خود هستند، گریه کرد و به سختی دوستان خود را تهدید کرد و گفت: ۲۴ شما از قدرت خود سوء استفاده کرده و در ظلم و ستم از ستمگران پیشی گرفته‌اید. و حتی با انجام اعمال پنهانی که هیچ فایده‌ای برای پادشاهی ندارد قصد دارید مرا که ولی نعمت شما هستم، از زندگی و سلطنت محروم کنید. ۲۵ چه کسی اینها را که با وفاداری قلعه‌های کشور ما را استوار نگه می‌دارند، از خانه‌های خود بیرون کرده است و احمقانه همه آنها را در اینجا جمع کرده است؟ ۲۶ چه کسی تا این حد به ناحق با آنها ظالمانه رفتار کرده است که از ابتدا در داشتن حسن نیت نسبت به ما از هر لحاظ با سایر ملت‌ها متفاوت بودند و غالباً با میل خود از قبول خطرناکترین وظایف کشوری استقبال کرده‌اند؟ ۲۷ آنها را از بند و زنجیرهای ناعادلانه رها کرده و آنها را با آرامش به خانه‌های خود بازگردانید و از آنها بخاطر اقدامات قبلی خود، طلب عفو کنید! ۲۸ فرزندان قادر مطلق و خدای زنده آسمانها را آزاد کنید، که از زمان اجداد ما تا کنون به پادشاهی ما، ثبات بی نظیر و قابل توجهی اعطا کرده است. ۲۹ بدینسان پادشاه این سخنان را گفت و همه یهودیان بلافاصله آزاد شدند؛ آنها خدای مقدس و نجات دهنده را ستایش کردند، زیرا هم اکنون آنها را از کام مرگ رهایی داده بود.

جشن رهایی

۳۰ سپس پادشاه، هنگامی که به شهر بازگشت، مقام مسؤول خزانه داری را احضار کرد و به وی دستور داد که برای یهودیان هم شراب و هم هر چیز دیگری را که برای یک جشن هفت روزه لازم است، تهیه کند؛ پادشاه

تصمیم گرفت که یهودیان باید نجات خود را با شادی تمام در همان مکانی جشن بگیرند که قرار بود با نابودی روبرو شوند. ۳۱ بنابراین قومی که قبلاً به شکلی شرم آور با آنها برخورد شده بود و در آستانه دروازه‌های مرگ قرار داشتند، به جای مرگ تلخ و تاسف آور، تدارک ضیافت نجات خود را می‌دیدند و پر از شادی و برای برگزاری جشن به محلی می‌آمدند که برای نابودی و دفن آنها آماده شده بود. ۳۲ آنها از خواندن سرودهای پر از اندوه خود دست کشیدند و به ستایش خداوند نجات دهنده خود پرداختند که شگفتی می‌آفریند، و از اینرو اقدام به خواندن سرودهای اجداد خود کردند. آنها به آواز تمامی گریه‌ها و ناله‌های خود پایان دادند و در عوض با هم به خواندن سرودهای صلح و سلامتی پرداختند. ۳۳ به همین ترتیب، پادشاه نیز پس از برگزاری ضیافتی بزرگ برای تجلیل از این وقایع، به خاطر نجات غیرمنتظره‌ای که تجربه کرده بود، به طور بی وقفه و مداوم از خدای آسمانها تشکر می‌کرد. ۳۴ کسانی که پیش از این اعتقاد داشتند که یهودیان از بین خواهند رفت و خوراک پرندگان می‌شوند، و با خوشحالی آنها را ثبت نام کرده بودند. اکنون ناله می‌کردند؛ زیرا سراسر وجود آنها از ننگ و شرم پوشیده شده بود و از آتش خشم و جسارت آنها دیگر چیزی باقی نمانده بود. ۳۵ همانطور که قبلاً گفتیم، یهودیان گروه‌هایی را برای خواندن سرود ترتیب داده و وقت خود را در جشن با مزامیر و شکرگزاری به شادی می‌گذراندند. ۳۶ و وقتی آنها این مراسم عمومی را برای این وقایع در میان تمامی قوم خود و برای فرزندان خود ترتیب دادند؛ تصمیم گرفتند که روزهای یاد شده را هر ساله و به عنوان یک جشن برگزار کنند، نه برای خوردن و نوشیدن، بلکه به دلیل نجاتی که خداوند برای آنها به دست آورده بود. ۳۷ سپس به پادشاه متوسل شدند و از وی خواستند اجازه بازگشت آنها به خانه‌های خود را بدهد. ۳۸ پس ثبت نام آنها از بیست و پنجم پاجون^۱ تا چهارم اپیفی^۲ و در طی مدت چهل روز به انجام رسید. و نابودی آنها از پنجم تا هفتم اپیفی و برای یک دوره سه روزه برنامه ریزی شده بود. ۳۹ که خداوند در آن رحمت پُر جلال خود را بر قومش نازل کرد و همه آنها را با هم و بدون هیچ آسیبی نجات داد. ۴۰ سپس آنها جشن گرفتند و پادشاه نیز همه چیز را تا چهاردهمین

۱ - احتمالاً بر طبق تقویم مصریان، تیر ماه بوده است.

۲ - احتمالاً بر طبق تقویم مصریان، مرداد ماه بوده است.

روز جشن در اختیارشان گذاشت، و در آخرین روز نیز طومار بازگشت آنها به سرزمین خودشان را امضا کرد. ۴۱ پادشاه درخواست آنها را بلافاصله اعطا کرد و نامه زیر را برای آنها به فرماندهان مستقر در شهرها نوشت، و با بزرگواری تمام، اهمیت این موضوع را گوشزد نمود:

نامه بطلمیوس فیلوپاتور

۱ از طرف بطلمیوس فیلوپاتور پادشاه به فرماندهان مصر و سایر مسئولان کشوری، با درود و آرزوی سلامتی:

۲ ما و فرزندانمان از سلامتی کامل برخوردار هستیم، خدای بزرگ امور ما را بر طبق خواست ما به انجام می‌رساند. ۳ برخی از دوستان ما، با قصد بدخواهانه، بطور مکرر ما را ترغیب کردند که یهودیان این پادشاهی را یکجا جمع کرده و آنها را به شکلی وحشیانه به عنوان خائن مجازات کنیم. ۴ آنها تأکید کردند به دلیل دشمنی که قوم یهود نسبت به همه ملل دارند تا زمانی که دولت ما آنها را از بین نبرد، هرگز پایدار نخواهد بود. ۵ این دوستان همچنین آنها را به زنجیر کشیده و از خانه‌های خود بیرون آوردند و با آنها به مانند بردگان یا خائنین رفتار کردند. و ظلم و بیداد بیشتری از وحشیان سکاها را به نمایش گذاشتند و بدون هیچ تحقیق و یا محاکمه‌ای سعی در نابودی یهودیان کردند. ۶ اما ما آنها را به خاطر این اعمال به شدت تهدید و مواخذه کردیم، ولی بخاطر صبر و شکیبایی که نسبت به همه مردم نشان می‌دهیم، از گرفتن جان آنها گذشت نمودیم. از آنجا که ما متوجه شده‌ایم که خدای آسمانها مطمئناً از یهودیان دفاع می‌کند، همیشه به عنوان یک پدر نسبت به فرزندان خود، طرف آنها را گرفته‌ام. ۷ و از آنجا که ما حسن نیت دوستانه و محکمی را که آنها نسبت به ما و اجداد ما داشتند در نظر گرفتیم، به طور عادلانه آنها را از هر نوع اتهامی تبرئه کردیم.

۸ ما همچنین به همه افراد این قوم دستور داده‌ایم که به خانه‌های خود بازگردند، بنابراین هیچ کسی در هیچ کجا و به هیچ وجه به آنها آسیب نرساند و آنها را به خاطر اتفاقات نامعقولی که رخ داده است، مورد سرزنش و ملامت قرار ندهد. ۹ زیرا باید بدانید که اگر ما به هر شکلی نسبت به آنها بدی کنیم یا در کل سبب ناراحتی آنها شویم، ما یک انسان فانی را به عنوان دشمن در مقابل خود نخواهیم داشت، بلکه خداوند قادر متعال را داریم که بر تمام قدرتها حکمرانی می‌کند. و بدون تردید از یک چنین اعمالی انتقام

خواهد گرفت، و از دست او راه فراری نیست. بدرود!

بازگشت شادمانه یهودیان

۱۰ وقتی یهودیان این نامه را دریافت کردند، بلافاصله آنجا را ترک نکردند، در عوض، آنها از پادشاه درخواست کردند که یهودیانی را که از خدای مقدس رو برگردانده و شریعت او را نادیده گرفته‌اند به مجازاتی برساند که سزاوار آن هستند. ۱۱ آنها اصرار داشتند که کسانی که به خاطر شکم خود، احکام الهی را زیر پا گذاشته‌اند، هرگز تحت عنایت دولت پادشاه قرار نگیرند. ۱۲ سپس پادشاه، با اعتراف و تأیید حقیقت آنچه گفته شد، به آنها کاملاً اجازه داد تا آزادانه و با اطمینان و بدون نیاز به تأیید و نظارت سلطنتی، آنهایی که احکام خدا را در هر کجای این قلمرو نقض کرده‌اند، نابود کنند. ۱۳ سپس یهودیان، پادشاه را آنطور که شایسته و مناسب بود مورد تجلیل قرار دادند، کاهنان و کل جمعیت با شادی تمام، فریاد هلولیا سر دادند و با خوشحالی از آنجا خارج شدند. ۱۴ و بدین ترتیب، آنها در طی راه، همه یهودیانی که خود را با آداب و سنت غیر یهودیان آلوده کرده بودند، در انتظار عموم و به شکلی شرم آور مجازات کرده و به دست مرگ سپردند. ۱۵ آنها در آن روز بیش از سیصد نفر را به قتل رساندند. و آن روز را به عنوان یک روز ملی، جشن گرفتند؛ زیرا آنها سوداگران را نابود کرده بودند. ۱۶ اما کسانی که ایمان خود را به خدا حتی تا پای مرگ حفظ کرده بودند از نجات خود بطور کامل لذت بردند؛ و این شادی با عزیمت آنها از شهر آغاز شد که سرهای خود را به انواع گل‌های بسیار معطر آراسته بودند، و با شادمانی و با صدای بلند خداوند خدای یگانه را که تنها خدای اجدادشان و نجات دهنده ابدی اسرائیل بود شکر کرده و با سرودهای زیبا و خوش نوا، او را ستایش می‌کردند.

۱۷ وقتی به پتولامیس رسیدند، به دلیل ویژگی آن مکان، آنجا را گل رُز نامیدند، ناوگان حمل و نقل دریایی بر طبق درخواست آنها، به مدت هفت روز در انتظار آنها بود. ۱۸ آنها در آنجا نیز نجات خود را جشن گرفتند، زیرا پادشاه سخاوتمندانه همه چیزهایی را که برای سفرشان تا زمان ورودشان به خانه‌های خود نیاز داشتند، تأمین کرده و در اختیار آنها گذاشته بود. ۱۹ و وقتی همه آنها با شکرگزاری و به سلامت به خشکی رسیدند، در همان جا تصمیم گرفتند تا این روزها را به عنوان یک جشن عمومی برای شادی و شکرگزاری در نظر بگیرند. ۲۰ سپس بعد از اینکه آنها این رویدادها را به

عنوان وقایع مقدس بر روی ستونی حک کردند، آن محل را به عنوان مکانی برای دعا و ستایش در محل برگزاری جشن تقدیس کردند؛ از آنجا که آنها بدون هیچ صدمه‌ای، و با آزادی کامل و با خوشحالی تمام، به دستور پادشاه با خیال راحت و در امنیت از طریق زمین و دریا و رودخانه به خانه‌های خود بازگشته بودند. ۲۱ از این گذشته آنها حتی در بین دشمنان خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند که همراه با احترام و ترس بود. و آنها به هیچ وجه در معرض توقیف وسایل و اموال خود توسط هیچ کسی نبودند. ۲۲ علاوه بر این، آنها بر طبق فهرستی که ثبت نام شده بودند، تمام دارایی خود را باز پس گرفتند، به این ترتیب، کسانی که هر چیزی از آنها را برداشته و در پیش خود نگه داشته بودند، آنها را با ترس و لرز فراوان به آنها باز گرداندند. ۲۳ نجات دهند اسرائیل را در تمامی ایام متبارک باد؛ آمین!